

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۸۷

سوره محمد

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و ۳۸ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۸۸

محتوای سوره محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

این سوره که بخاطر آیه دوم آن که نام پیامبر اسلام در آن ذکر شده سوره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نام دارد نام دیگرش سوره «قتال» (سوره جنگ) است، و در واقع مسأله جهاد و جنگ با دشمنان اسلام مهمترین موضوعی است که بر این سوره سایه افکنده، در حالی که قسمت مهم دیگری از آیات این سوره به مقایسه حال مؤمنان و کفار و ویژگیها و صفات آنها، و همچنین سرنوشتشان در آخرت می پردازد.

به طور کلی محتوای سوره را می توان در چند بخش خلاصه کرد:

۱ - مسأله ایمان و کفر و مقایسه حال مؤمنان و کافران در این جهان و جهان دیگر.

۲ - بحثهای گویا و صریحی پیرامون مسأله جهاد و پیکار بادشمنان، و دستور درباره اسیران جنگی.

۳ - قسمت قابل ملاحظه دیگری شرح حال منافقان است که به هنگام نزول این آیات در مدینه فعالیت های تخریبی زیادی داشتند.

۴ - بخش دیگر از مسأله «سیر در زمین» و بررسی سرنوشت اقوام پیشین به عنوان یک درس عبرت سخن می گوید.

۵ - در قسمتی از آیات سوره مسأله آزمایش الهی به تناسب مسأله جنگ مطرح است.

۶ - در قسمتی دیگر از مسأله انفاق که آن نیز نوعی جهاد است و در نقطه مقابل آن مسأله بخل سخن به میان آمده.

۷ - در بعضی از آیات سوره به همین مناسبت مسأله صلح با کفار (صلحی که مایه شکست و ذلت باشد) مطرح و از آن نهی شده است.

رویه‌مرفته با توجه به اینکه این سوره در مدینه به هنگام درگیری شدید مسلمانان با دشمنان اسلام نازل شده، و به گفته جمعی از مفسران در بحبوحه جنگ

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۸۹

احد یا کمی بعد از آن بوده است، مساءله اصلی در آن مساءله جنگ است و بقیه مسائل بر محور آن دور می‌زد، جنگی سرنوشت‌ساز و مشخص کننده صفوف مؤمنان از کافران و منافقان، جنگی که پایه‌های اسلام را تقویت می‌کرد، و دشمنانی را که قصد نابودی اسلام و مسلمین داشتند بر سر جای خود می‌نشانند.

فضیلت تلاوت سوره

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: من قرء سورة محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کان حقاً علی الله ان یسقیه من انهار الجنة: «کسی که سوره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را تلاوت کند بر خدا حق است که او را از نه‌های بهشت سیراب سازد».

در کتاب «ثواب الاعمال» از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده که فرمود: من قرء سورة الذین کفروا (سورة محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) لم یرتب ابداء، و لم یدخله شک فی دینه ابداء، و لم یبتله الله بفقر ابداء و لا خوف سلطان ابداء و لم یزل محفوظاً من الشرک و الکفر ابداء حتی یموت فاذا مات و کله الله به فی قبره الف ملک یصلون فی قبره و یكون ثواب صلاتهم له ویشیعونه حتی یوقفوه موقف الامن عند الله عز و جل و یكون فی امان الله و امان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر کس سوره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بخواند هرگز شک و تردید در دین به خود راه نمی‌دهد، و هرگز خداوند او را به فقر در دین مبتلا نمی‌سازد، و هرگز ترسی از سلطانی نخواهد داشت، و همواره تا آخر عمرش از شرک و کفر محفوظ و در امان خواهد بود، و هنگامی که می‌میرد خداوند هزار فرشته را مأمور می‌کند که در قبرش نماز بخوانند و ثواب نمازهایشان از آن او است، و این هزار فرشته همچنان با او هستند تا در عرصه محشر در محل امن و امانی او را متوقف کنند، و پیوسته در امان خدا و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است».

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۹۰

روشن است آنها که محتوای این آیات را در جان خود پیاده کنند و در پیکار با دشمنان سرسخت و بی رحم و بی منطق، تردید و تزلزل بخود راه ندهند، هم پایه های دین و ایمانشان قوی می شود، و هم ترس و ذلت و فقر از آنها برچیده خواهد شد، و هم در قیامت در جوار رحمت الهی متنعمند.

در حدیث دیگری آمده است که امام (علیه السلام) فرمود: من اراد ان يعرف حالنا و حال اعدائنا فليقرء سورة محمد فانه يراها آية فينا و آية فيهم: «هر کس بخواند حال ما و دشمنان ما را بنگرد سوره محمد را بخواند که آیه ای درباره ما است و آیه ای درباره آنها»!.

این حدیث را مفسران اهل سنت مانند «آلوسی» در «روح المعانی» و «سیوطی» در «در المنثور» نیز نقل کرده اند.

و بیانگر این واقعیت است که نمونه اتم ایمان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند و نمونه بارز کفر و نفاق بنی امیه درست است که در این سوره تصریحی به عنوان اهل بیت نیامده، و نه به عنوان بنی امیه، ولی چون از دو گروه مؤمن و منافق و ویژگیهای آنها بحث شده است قبل از هر چیز اشاره به آن دو مصداق روشن می کند، و در عین حال مانع از شمول سوره نسبت به سایر افراد مؤمن و منافق نیست.

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۹۱

آیه ۱-۳

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الذين كفروا و صدوا عن سبيل الله اءضل اءعمالهم ۱
و الذين اءمنوا و عملوا الصلح و اءمنوا بما نزل على محمد و هو الحق من ربهم
كفر عنهم سيئاتهم و اءصلح بالهم ۲
ذلك باءن الذين كفروا اتبعوا البطل و اءن الذين اءمنوا اتبعوا الحق من ربهم
كذلك يضرب الله للناس اءمثلهم ۳

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند اعمالشان را نابود می کند.

۲ - و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند به آنچه بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده، و همه حق است و از سوی پروردگار، نیز ایمان آوردند خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند.

۳ - این به خاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود، اینگونه خداوند برای مردم زندگیشان را توصیف می کند.

تفسیر:

مؤمنان پیرو حقند و کافران پیرو باطل

این سه آیه در حقیقت مقدمه ای است برای یک دستور مهم جنگی که در آیه چهارم داده شده است.

در آیه نخست وضع حال کافران، و در آیه دوم وضع حال مؤمنان را بیان کرده، و در آیه سوم آن دو را با هم مقایسه می کند، تا باروشن شدن این خطوط آمادگی برای پیکار مکتبی با دشمنان بیرحم و ستمگر حاصل شود.

نخست می فرماید: «کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند خداوند اعمالشان را به نابودی می کشاند و گم می کند» (الذین كفروا و صدوا عن سبيل الله اضل اعمالهم).

این اشاره به سردمداران کفر و مشرکان مکه است که آتش افروزان جنگهای ضد اسلامی بودند، نه تنها خودشان کافر بودند که دیگران را نیز با انواع حیل و نقشه ها از راه خدا باز می داشتند.

گر چه بعضی از مفسران مانند زمخشری در «کشاف» «صد» را در اینجا به معنی «اعراض» از ایمان تفسیر کرده اند، در مقابل آیه بعد که از ایمان سخن می گوید، ولی با توجه به موارد استعمال این کلمه در قرآن مجید باید معنی اصلی آن را که همان منع و جلوگیری است حفظ کرد.

منظور از «اضل اعمالهم» این است که آن را نابود و حبط می کند،

زیرا گم کردن کنایه از بی سرپرست ماندن چیزی است که لازمه آن از بین رفتن است.

به هر حال بعضی از مفسران این جمله را اشاره به کسانی می دانند که در روز

جنگ بدر شترهائی را نحر کرده به مردم انفاق کردند، ابو جهل ده شتر، صفوان ده شتر، و سهل بن عمرو ده شتر برای لشکر سر بردند.

اما چون این اعمال در طریق شرک و برنامه‌های شیطانی بود همگی حبط شد. ولی ظاهر این است که محدود به این معنی نیست، بلکه تمام اعمالی را که ظاهراً به عنوان کمک به مستمندان یا میهمان نوازی یا غیر آنها انجام می‌دادند به خاطر عدم ایمانشان همگی حبط می‌شود.

از این گذشته اعمالی را که آنها برای محو اسلام و درهم شکستن مسلمین انجام می‌دادند خداوند همه آنها را نیز گم و نابود کرد و از رسیدن به مقصد و هدف بازداشت.

آیه بعد توصیفی است از وضع مؤمنان که در نقطه مقابل کفاری که اوصافشان در آیه قبل آمده است قرار دارند می‌فرماید: «و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، و به آنچه بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده که حق است و از سوی پروردگار است نیز ایمان آوردند خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را در دنیا و آخرت اصلاح می‌کند» (والذین آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم و اصلح بالهم).

ذکر ایمان به آنچه بر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده بعد از ذکر ایمان

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۹۴

به طور مطلق تاء کیدی است بر برنامه‌های این پیامبر بزرگ، و از قبیل ذکر خاص بعد از عام است، و بیانگر این واقعیت است که بدون ایمان به آنچه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده هرگز ایمان به خدا تکمیل نمی‌شود.

این احتمال نیز وجود دارد که جمله اول اشاره به ایمان به خدا است، و جنبه اعتقادی دارد، و این جمله اشاره به ایمان به محتوای اسلام و تعلیمات آنحضرت است و جنبه عملی دارد.

و به تعبیر دیگر ایمان به خدا به تنهایی کافی نیست، بلکه باید ایمان به «ما انزل علیه» نیز داشته باشند، ایمان به قرآن، ایمان به جهاد، ایمان به نماز و روزه، ایمان به ارزشهای اخلاقی که بر او نازل شده است.

ایمانی که مبداء حرکت، و تاء کیدی بر عمل صالح بوده باشد.

قابل توجه این است که بعد از ذکر این جمله می‌گوید: «و هو الحق من ربهم» «در حالی که آنچه بر او نازل شده حق است و از سوی پروردگار».

یعنی ایمان آنها بی حساب و بی دلیل نیست، چون حق را در آن تشخیص داده‌اند ایمان آورده‌اند.

و تعبیر من ربهم (از سوی پروردگارشان) تاء کیدی است بر این واقعیت که همیشه حق از سوی پروردگار است، از او سرچشمه می‌گیرد و به او بازمی‌گردد.

قابل توجه اینکه در مقابل دو کیفری که برای کفار بازدارنده از راه خدا ذکر شده بود دو پاداش برای مؤمنان صالح العمل بیان می‌کند که نخستین آنها پوشاندن لغزشها و بخشودگی خطاهائی است که به هر حال هر انسان غیر معصومی از آن خالی نیست، و دیگر «اصلاح» بال است.

«بال» به معانی مختلفی آمده است به معنی حال، کار، قلب، و به گفته راغب در مفردات به معنی «حالات پر اهمیت» است، بنابراین «اصلاح بال» به معنی

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۹۵

سر و سامان دادن به تمام شئون زندگی و امور سرنوشت سازمی باشد که طبعا هم پیروزی در دنیا را شامل است، و هم نجات در آخرت را، به عکس سرنوشتی که کفار دارند که به حکم «اضل اعمالهم» تلاشها و کوششهایشان به جایی نمی‌رسد و به جز شکست نصیب و بهره‌ای ندارند.

و می‌توان گفت آموزش گناهان نتیجه ایمان آنها، و اصلاح بال نتیجه اعمال صالح آنها است.

مؤمنان هم دارای آرامش فکرنده، و هم پیروزی در برنامه‌های عملی که اصلاح بال دامنه گسترده‌ای دارد و همه اینها را شامل است، و چه نعمتی از این بالاتر که انسان روحی آرام و قلبی مطمئن و برنامه‌هائی مفید و سازنده داشته باشد.

در آخرین آیه نکته اصلی این پیروزی و آن شکست را در یک مقایسه فشرده و گویا بیان کرده، می‌فرماید: «این به خاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود» (ذلک بان الذین كفروا اتبعوا الباطل وان الذین آمنوا اتبعوا الحق من ربهم).

جان مطلب اینجاست که دو خط «ایمان» و «کفر» از دو خط «حق» و «باطل» منشعب می‌شود، «حق» یعنی واقعیتهای عینی

که از همه بالاتر ذات پاک پروردگار است، و به دنبال آن حقائق مربوط به زندگی انسان، و قوانینی حاکم بر رابطه او با خدا، و روابط آنها با یکدیگر است. «باطل» یعنی پندارها، خیالها، نیرنگها، افسانه های خرافی، کارهای بیهوده و بی هدف، و هر گونه انحراف از قوانین حاکم بر عالم هستی. آری مؤمنان پیروی از حق می کنند، به همان معنی که گفته شد و کفار از باطل، و همین دلیل بر پیروزی آنها و شکست اینهاست. قرآن مجید می گوید: و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا:

تفسیر نمونه جلد ۲۱ صفحه ۳۹۶

آسمان و زمین و آنچه را در میان آن دو است باطل نیافریده ایم (سوره ص - ۲۷).

بعضی «باطل» را به معنی «شیطان»، و بعضی به معنی «بیهوده» تفسیر کرده اند، ولی همانگونه که گفتیم «باطل» معنی وسیعی دارد که همه اینها و غیر آن را شامل می شود. و در پایان آیه می افزاید: «اینگونه خداوند برای مردم مثلهای زندگیشان را بیان می کند» (کذلک یضرب الله للناس امثالهم). یعنی همینگونه که خطوط زندگی مؤمنان و کفار، و اعتقادات و برنامه های عملی و نتایج کار آنها را در این آیات بیان فرموده، سرنوشت حیات و عاقبت کار آنها را مشخص می سازد.

«راغب» در «مفردات» می گوید: «مثل» به معنی سخنی است که درباره چیزی گفته شود همانند سخنی که درباره مطلب مشابه آن گفته شده، تا یکی دیگر را تبیین کند. از سخنان دیگر او نیز استفاده می شود که این کلمه گاه به معنی «مشابهت» به کار می رود، و گاه به معنی «توصیف». و ظاهراً در آیه مورد بحث منظور معنی دوم است، یعنی خداوند اینگونه توصیف حال مردم می کند، همانگونه که در آیه ۱۵ سوره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده: مثل الجنة التي وعد المتقون: «توصیف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده چنین است...».

به هر حال از این آیه به خوبی استفاده می شود که هر اندازه به حق نزدیکتر باشیم به ایمان نزدیکتریم، و به هر اندازه اعتقاد و عمل ماگرایش به باطل داشته باشد از حقیقت ایمان دورتریم و به کفر نزدیکتر!، که خط ایمان و کفر

همان خط حق و باطل است.

قبل

فرست

قبل